شماره بیست وسوم، ۱۹آبان ماه ۱۴۰۵

نگاه
پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی



آیت‌الله آقا سید مجتبی خامنه‌ای: بحمدالله ملّت ایران درس‌های بزرگی را از آموزه‌های اسلام ناب محمّدی صلّی‌الله علیه و آله و سلّم و معارف انقلاب اسلامی و مکتب رهبران حکیم خود، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی‌الله مقامهما الشّریف به‌خوبی فراگرفته و روزبه‌روز با تحقّق وعده‌های الهی، ایمانش به حقّانیّت این راه عمیق‌تر شده است. امروز در اثر رسوایی خودساختهٔ مستکبران، قدرت و سلطهٔ رو به زوال امریکا در هر دو بُعد قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی دچار سقوطی برگشت‌ناپذیر شده و روند فروپاشی آن تسریع گردیده است.. ۱۳/آبان/۱۴۰۵

روشنفکریِ بی‌حس: خطری بزرگ‌تر از جنگ برای جامعهٔ مدنی ایران

دکتر داود مهدوی‌زادگان *

۱. جماعت روشنفکر ایرانی در این روزهای سخت و پرتلاطمِ جنگ تحمیلیِ دشمن آمریکایی و صهیونی علیه ملت مقاوم و سلحشور، به شدت گرفتار بی‌حسیِ دردناک و عذاب‌آوری شده است. گویی هیچ چیزی را حس نمی‌کند، حتی بی‌حسی خودش را. جلوه‌های تابناکِ واقعیاتِ دفاع مقدس ملت و رزمندگان جان‌فدای کشورش را حس نمی‌کند. ۲. این جماعت هیچ درکی از حضور پرشور مردم به مثابهٔ رکن اصلی دفاع ملی و جان‌فشانیِ غیورمردان در جبهه‌های نبرد و نابودسازی پایگاه‌های دشمن در منطقه و عقب‌نشینیِ چند هزار کیلومتریِ ناوهای جنگی‌اش و به لرزه درآمدنِ کاخ شیطان بزرگ در اثر سیطرهٔ مقاومت ایران بر انتخابات میان‌دوره‌ای ندارد. بی‌حسیِ جماعت غرب‌گرا است که آن‌ها را از درک روزهای باشکوهِ بعثت تاریخی و حماسی ملت ناتوان کرده است.۳. روشنفکر ایرانی چون بیماری بی‌حسی خود را درک نمی‌کند، بی‌حسیِ خودش را به جامعه نسبت می‌دهد. می‌گوید جامعه دچار بی‌حسی شده است. او جامعهٔ ایرانیِ مصمم و ایستاده در برابر دشمن متجاوز و تروریست را متوهمانه به اموری متهم می‌کند که اکنون خود گرفتار آن است. این جماعتِ پرمدعا معتقد است که جامعهٔ بی‌حس ایرانی در مقابل تهدیدات نابودکنندهٔ متجاوزان آمریکایی و اسرائیلی پاسخ در شأن نداده است (!) و در انفعال و سکوتی عجیب به سر می‌برد (!) و نوعی رخوت و استیصال و سرخوردگی در آن دیده می‌شود (!).۴. از نگاه این جماعت، اجتماعات شبانهٔ مردم «یک برنامهٔ معمولیِ روزمره و چه‌بسا فراغتی» است که نمی‌توان آن را واکنش ملی تلقی کرد (!). واکنش ملیِ در خور انتظار از این دیدگاه همان «تکاپوهای بعد از جنگ ۱۲روزه» است؛ یعنی اغتشاشات خون‌بارِ دی‌ماه سال گذشته که دشمن آمریکایی ـ صهیونی برای پیروزی در جنگ روی آن حساب خاصی باز کرده بود. و البته کدام دشمن است که از وقوع چنین اغتشاشاتی در خیابان‌های طرف مقابلش خوشحال نشود.۵. و بالاخره روشنفکرنمای وطنی به درستی از فقدان دعوت احزاب سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های غیردولتی و اتحادیه‌های صنفی و طیف وسیعی از گروه‌های مرجع و دارای نفوذ اجتماعی در فریاد اعتراض‌شان به تجاوز و تهدید علنی قدرت‌های مستکبر شکوه کرده است. اینها نشانهٔ تضعیف جامعهٔ مدنی است.۶. حقیقت و باطن پوشالیِ جماعت روشنفکرنمای ایرانی فقط در شرایط سخت و دشواری چون جنگ قابل شناسایی است؛ آن‌چنان‌که در لابه‌لای نوشته‌هایشان معترف به این قضیه هستند. به‌راستی چرا در بحبوحهٔ جنگ تحمیلی هیچ خبری از واکنش اعتراضی و جان‌فدایی روشنفکری ایران علیه متجاوزان تروریست آمریکایی ـ صهیونی نیست؟۷. کجایند آن سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های غیردولتی و گروه‌های مرجع و مدعیان میانجی که در اعتراض به کشتار مردم به دست دشمن، برای تنویر افکار عمومی جهان بیانیه صادر کنند؟ اینان تصور باطل کرده‌اند که اگر علیه جنگ تحمیلی اعتراض کنند مؤاخذه می‌شوند؛ در حالی‌که قضیه عکس آن است. بیایند علیه متجاوزان تروریست آمریکایی ـ صهیونی اعتراض کنند و بیانیه منتشر کنند تا معلوم شود چه جریان و گروه سیاسی با آن‌ها مخالفت می‌کند.۸. سخن عجیب و شرم‌آور این است که اجتماعات شبانهٔ مردم را که اکنون از مرز دویست و پنجاه شب گذشته است، ناچیز و روزمره می‌خوانند و در مقابل، اجتماعات خشونت‌بارِ دشمن‌شادکن را مصداقی از واکنش ملی (!) می‌خوانند؛ اجتماعاتی که منتظر رسیدن کمک‌های آتش‌افروزانهٔ دشمن متجاوز بودند. اعتراض مشتی اغتشاشگر در بحبوحهٔ جنگ تحمیلی نشانهٔ واکنش ملی است، البته نه علیه دشمن بلکه علیه ملت و حاکمیت ملی؛ اما ثبت‌نام سی و یک میلیون ایرانی در میثاق‌نامهٔ جان‌فدا واکنشی اندک و غیرملی تفسیر می‌شود (!).۹. اینها همه نشانهٔ بی‌حسیِ روشنفکری است که خطرش برای جامعهٔ مدنی ایران بیشتر و بزرگ‌تر از خطر جنگ است؛ بی‌حسی‌ای که از روحیهٔ غرب‌زدگی و عدم عرق ملی و جان‌فدایی ناشی شده است. حضور خیابانی ملت در این روزهای جنگی برای کاستن و دفع این خطر است؛ خطری که به فرمودهٔ آیات قرآنی شدیدتر از جنگ است.۱۰. بالاخره این روزهای سخت و غم‌بارِ جنگی تمام می‌شود و ملت مبعوث با افتخار و سربلند جشن پیروزی را پشت سر ولایت در خیابان برگزار خواهند کرد. در این میان، جماعت خسارت‌دیدهٔ مغبون همان جماعتی است که در این روزهای سخت جنگی به هر دلیلی حاضر نشد در کنار ملت بایستد و شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سر بدهد؛ جماعتی که حاضر نشد برنامهٔ معمولیِ روزمره و چه‌بسا فراغتی از جنس دیگر اجتماعات شبانه را در زندگی خود تجربه کند. چه خسارتی از این بالاتر می‌توان روایت کرد!

*پژوهشگر فقه و سیاست و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظریه مقاومت و ایران هرچه قوی‌تر؛ وظیفه‌ای بدون حرف و حدیث برای همه

دکتر مهدی پناهی *

گفته می‌شود که یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران پیش بینی از نظم نوین جهانی و تعیین جایگاه ایران در آن است اما این ویژگی نه صرفا پیش بینی بلکه شکل دهی به نظم نوین جهانی هم بود، انقلاب اسلامی سال ۵۷ به امامت امام خمینی(ره) سرآغاز این نظم نوین جهانی بود و تا امروز در مرحله تکوین و شکل گیری است. با این حال امروز که شاخ نظام سلطه شکسته شده است؛ بیشتر ازهر روزی نیاز به بررسی نظریه مقاومت(ابداع امام شهید) و نظریه ایران هرچه قویتر (معمار آن رهبر انقلابند) هستیم؛ نظریه‌هایی که نظم نوین جهانی امروز را رقم زده است.رهبر انقلاب، آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در پیام به مناسبت ۱۳ آبان و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی در پیامی گفتند: این نشانهٔ اقتدار، در کنار وحدت ساحات جبههٔ حق و حماسه‌سازی‌های هوشمندانه و مقتدرانه جبهه مقاومت از فلسطین و لبنان تا عراق و یمن، طلیعه‌ای روشن و امیدآفرین از اعتلای پرچم جبههٔ حق و زمینه‌سازی برای نظم جدید جهانی است.در بخشی دیگر از این پیام ایشان فرمودند: «تنها راه رسیدن به نقطهٔ بازدارندگی مطلق، استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» در مسیر پیشرفت همه‌جانبه بوده؛ و یکپارچگی، وحدت و انسجام اجتماعی، عنصر اصلی موفّقیّت در این مسیر می‌باشد که لازم است بر هر گفتار و کردار فردی و اجتماعی ملّت و مسئولان حاکم باشد.»دشمن در مقابل این نظم نوین جهانی، راهبرد فشار نظامی، اقتصادی و روانی را در پیش گرفته است و با حربه‌های روانی به دنبال سایه افکندن بر این نظریه مقاومت و نظریه ایران هرچه قوی‌تر است. به واسطه پیچیدگی و غیرشفاف فضای سیاسی به طور کل، شاید برای مردم مبعوث و میداندار خیابان تحلیل کنش‌های سیاسی سیاستمداران و صاحب منصبان سخت باشد و نتوان قضاوت دقیق و جامعی از این کنش‌ها داشت اما نظریه مقاومت و نظریه ایران هرچه قوی تر و حربه دشمن برای شکست این دو نظریه روشن و شفاف است. در چنین شرایطی باید به بیانات رهبر انقلاب، امام شهید و امام راحل و آیات قرآن مستمسک جست و وظیفه خود را تنها عمل به آن دید. ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ امام شهید در دیدار رمضانی دانشجویان گفتند: خدای متعال در قرآن مکرّر گفته؛ کَتَبَ اللهُ لَاَغلِبَنَّ اَنا وَ رُسُلی. «کَتَبَ الله» یعنی قانون قطعی خدا است که راه پیغمبران غلبه پیدا خواهد کرد و دیگر بحثی ندارد.

*عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اِنَّ اللهَ یُدافِعُ عَنِ الّذینَ آمَنُوا؛ خدا از مؤمنین، دفاع خواهد کرد؛ در این هیچ تردیدی نیست. یا «وَ نُریدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ استُضعِفوا فِی الاَرضِ وَ نَجعَلَهُم اَئِمَّة»؛ در این هیچ تردیدی وجود ندارد؛ این قول خدای متعال است.ایشان در سخنرانی‌های قبل از انقلابشان که در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی آمده است نیز میگویند: «آن‌وقتی که می‌توانید، مبارزه کنید، وقتی دیدید که دارید شکست می‌خورید باز هم مبارزه کنید تا برسید به آن لحظه‌ای که دیگر یقین می‌کنید که هان حتماً شکست خواهید خورد، باز هم مبارزه کنید. وقتی در آن لحظه‌ای که یقین دارید حتماً شکست می‌خورید باز به تلاش و کوشش و مبارزه خود ادامه دهید، آن‌وقت پیروزی و فتح نصیبتان خواهد شد.»البته این روزها ظفر و پیروزی جبهه حق بیشتر از هر زمانی نمایان و روشن شده است ولی با این حال وظیفه همگان عمل به همین دو نظریه است.مخاطب، صاحب اصالت است.

*پژوهشگر ارتباطات و رسانه

صلح پایدار از مسیر مقاومت

دکتر محمدمهدی خیرجو*

در منطق گفتمان مقاومت امامان انقلاب اسلامی(رضوان‌الله)، راه رسیدن به صلح پایدار، نگاه سطحی و منفعل به جابه‌جایی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در انتخابات‌های دشمن نیست؛ بلکه ساختن ایرانی قدرتمند است که تجاوز به آن برای مهاجم، هزینه‌ای بیش از دستاورد احتمالی داشته باشد.گزارش‌های ارائه‌شده درباره اختلافات جمهوری‌خواهان پس از شکست سنگین در گنگره و سنا، تبعات جنگ با ایران نیست کما اینکه رژیم آمریکا در ۲۵۰ سال عمرش و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم همواره در حال جنگ و غارت و جنایت در اقصی نقاط دنیا بوده است و اصولا رژیم آمریکا، حکومتی نظامی-امنیتی به شمار می‌رود، پس آنچه موجب ریزش آرای جمهوری‌خواهان شده هزینه مستقیم شکست مقابل مقاومت و تاب‌آوری بی‌نظیر ملت مبعوث ایران است، نه لزوما جنگ با ایران.در این چارچوب، میراث فکری امام شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای(قدس‌سره) و راهبرد ایران هرچه قوی‌تر در پیام رهبر رشید انقلاب بر مولفه‌های مقاومت همه جانبه، وحدت و حضور ملت مبعوث در میدان و تغییر محاسبات دشمن استوار است.هدف مقاومت، ادامه نامحدود جنگ نیست، بلکه بی‌ثمر کردن تجاوز و منصرف‌کردن مهاجم از تحمیل خواسته‌هایش است. امتیازدهی زیر فشار می‌تواند تهدیدگر را تشویق به **ادامه‌ی** ماجراجویی برای گرفتن امتیازات بیشتر کند، اما استقلال‌خواهی متکی بر توان ملی، تعهدات راستی‌آزمایی‌پذیر و عبرت از عهدشکنی‌های مکرر دشمن، پشیمانی دشمن از تداوم شرارت و صلح‌پایدار را محقق خواهد کرد.

*رسانه پژوه و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی

عقل ولایی در هندسهٔ خیابانی: خون‌خواهی؛ مطالبهٔ فزایندهٔ ملت مبعوث

دکتر آزاده محمودیان*

بصیرت، مقدمهٔ بعثت است. ملت مبعوث، خودآگاهی تاریخی دارد؛ آنقدر زخم خورده که کراوات یا عمامهٔ سیاه، برایش نه اعتماد می‌زاید، نه بی‌اعتمادی. معیار فهم و اعتماد مردم مبعوث، قرابت به کلام و کردار امام جامعه است؛ امر ولی‌فقیه برای او، آغاز و انجام هر تصمیمی است. میزان او، ارادهٔ رهبر است؛ هر کسی با هر ایده‌ای را کنار این میزان می‌گذارد، اگر تناسبی ندید، هرکه و هرچه باشد آن را به دیوارِ بطلان می‌کوبد. تردیدی در این نیست که ملت مبعوث در پی تحول بنیادین است، اما هیچ تغییری را از پس اغتشاش و ساختارشکنی و بی‌قانونی نمی‌پذیرد؛ قانون را تنها مجرای تحولات می‌شناسد؛ در راه آن، بی‌هراسِ موانع و مانع‌تراش‌ها می‌کوشد.

ملت هوشیار مبعوث، یقین دارد که دشمن خارجی و منافق داخلی، اجتماعات مؤمنانه را عامل اصلی شکست خود می‌داند؛ و در پی آن است که به انحاء مختلف، از نفوذ منافقان گرفته تا جهل دوستان جاهل و #دهن‌لق، تومار آن را در هم بپیچد و مطالبهٔ اصلی خیابان را که «قصاص و انتقام» قاتلان رهبر شهید است، به یغما ببرد. پس، راست‌قامت و بیدار و پرشور، در خیابان می‌ماند؛ و فرصت نمی‌دهد که اراده‌اش بازیچهٔ ناراستی و نیرنگ شود. دوست و دشمن باید بداند که ملّت مبعوث، از مطالبهٔ «خون‌خواهی»، که امر صریح رهبر انقلاب است، لحظه‌ای چشم برنمی‌دارد؛ و تا هنگامهٔ تحقق آن خیابان را رها نخواهد کرد. چه اینکه، سرّ امنیت مردم و رهبر، در اجرایی شدن این دستور امام جامعه نهفته

*پژوهشگر ارتباطات و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی

شعاع پیرامونی در خیابان

جعفر علیان‌نژادی (پژوهشگر اندیشه سیاسی)

یکی از دغدغه‌های این روزهای مردم حاضر در خیابان، تجمعات و دست‌اندرکاران این خیزش انقلابی، ایجاد کشش بیشتر برای دعوت از گروه‌ها و سلیقه‌های دیگرِ طرفدار نظام و انقلاب اسلامی است. به گمان نویسنده این سطور، یکی از مجرّب‌ترین و بهترین راهکارها برای حل این‌گونه مسائل و رفع چنین دغدغه‌هایی، خواندن هدفمند بیانات رهبر شهید و رشید است. این فرض از آنجا ناشی می‌شود که مسائل و دغدغه‌های امت مسلمان و مردم وفادار ایران، به طریق اولی مسأله و دغدغه ایشان بوده است و حتماً درباره آن تأمل داشته و راه‌حل‌هایی نیز ارائه کرده‌اند. نویسنده با چنین منظری، بیانات رهبر شهید را خوانده و به نکته‌ای رسیده است که در تیتر این یادداشت کوتاه آمده است. معظّم‌له در یکی از توصیه‌های مهم و راهگشای خود پیرامون شیوه‌های تبیین، به روشنگری و تبیین در شعاع پیرامونی اشاره کرده است. اصل این توصیه بسیار روشن است و نیاز به توضیح و تفسیر بیشتر ندارد؛ اما نکته‌ای که می‌توان از این تعبیر برای رسیدن به راه‌حلی در ایجاد جذابیت و کشش معقول استفاده کرد، آن است که فکر خوب رهبر شهید را به شکل عملیاتی فهمید. به‌طور کلی، بسیاری از مفاهیم و معارف مطرح‌شده از سوی رهبر شهید را می‌توان این‌گونه برپا کرد و از آن‌ها تنها برای ساختن شعار یا سخن گفتنِ صرف استفاده نکرد. حال بیاییم نگاه عملیاتی به مفهوم «شعاع پیرامونی» را تمرین کنیم. شعاع پیرامونی، استعاره از چیزی درخشان است که انوار آن در اطراف منتشر می‌شود و فضایی را روشن می‌کند. فضای روشن‌شده هم برای افرادی که در آن فضا هستند کاربرد دارد؛ محیطشان را واضح و شفاف می‌کند تا جزئیات و اموری که در تاریکی به‌خوبی دیده نمی‌شدند یا ابهام داشتند، معلوم و پیدا شوند. کارکرد دیگرِ ایجاد این شعاع نوری، جلب و جذب توجه دیگرانی است که از این فضا یا محیط دورترند یا پیرامون آن قرار دارند. نکته مهم عملیاتی برای میادین و تجمعات با این توضیح آن است که تبیین باید نوری ایجاد کند که هم فضای خود را و هم فضای پیرامون را تحت تأثیر قرار دهد. گفتارهای ارائه‌شده این روزها توسط مبلّغان و تبیین‌گران نیازمند نوآوری است. حرف نوینی باید زده شود که مردم و مستمعان را تنها مصرف‌کننده این مفاهیم و تبیین‌ها فرض نکند؛ یعنی طرح مباحث باید به‌گونه‌ای باشد که مردم خود توانایی فهم و تبیین مسائل را بیابند. باید شیوه‌های درست فکر کردن و سپس شیوه‌های درست بیان کردن را تمرین کرده و بیان کنند. سخنگوی اجتماعات باید به‌جای دادن مجموعه‌ای از اطلاعات و داده‌های خام، شیوه کنار هم قرار دادن این اطلاعات را برای بهتر دیدن واقعیت با مردم در میان بگذارد. حرف نوی جمهوری اسلامی همین است. اینکه آحاد ملت امور را عقلانی و با استدلال فهم کنند و مهم‌تر از آن، بیان کنند. بر اساس این رویکرد، دست‌اندرکاران و مردم باید مدام از خود بپرسند: اقدامات ما چه دلایل خوب و نیکویی دارد؟ به چه دلیل خوب و نیکویی این کار را انجام می‌دهم؟ این پرسش برای تبیین‌گر و سخنگو نیز حیاتی است: برای این سخن چه دلیل خوب و نیکویی دارم؟ این پرسش قاعدتاً با پاسخ‌های اولیه‌ای همراه است که هر کس ممکن است داشته باشد؛ اما نکته مهم آن است که وقتی روشنگر خواهد شد و می‌تواند شعاعی را در بر بگیرد که به این پاسخ‌ها اکتفا نکند و در هر بار حضور، در پی دلایل بهتر باشد. این ورزش و تمرین فکری اگر تداوم یابد، کیفیت حضور، برگزاری و سخنرانی‌ها روزبه‌روز درخشان‌تر شده و شعاع بیشتری را در بر خواهد گرفت. در این خصوص نکات بسیار دیگری نیز وجود دارد که در یادداشت‌های بعدی به آن‌ها اشاره خواهد شد؛ اما اکنون پیشنهاد می‌شود از همین امر پایه‌ای شروع کرد.

پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای قدس سره
www.irseri.ac.ir @irseri_ir